

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

## به سلسله نشر مقالات سابق

(مقاله چهل و چارم)

دوست دانشورم، جناب "علی مشرف" گزارش جالبی از شب شعر مؤرخ ۲۸ نومبر ۲۰۰۸، که در شهر تورنتو به سلسله "کاروان شعر" دایر گردیده بود، تهیه کرده و تقدیم خوانندگان گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نمودند. ضمن گزارش ازین دوست خواسته بودند، تا مقالات بررسی کننده دری افغانستان و فارسی ایران را در معرض مطالعه خوانندگان پورتال AA-AA قرار بدهم. اینک فرمایش ایشان را بجا کرده و عجلتاً یکی از مقالات این طیف را تقدیم مینمایم. در آینده ان شاء الله موضوع را جدی تر دنبال کرده و سلسله ای را در دسترس قرار خواهم داد. خلیل الله معروفی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، ۲۳ جنوری ۲۰۰۸

## اندر سره بودن دری افغانستان

### رهبایی تغییرات ناخوشایند در فارسی ایران

(وجه تمایز و افتراق "دری افغانستان" و "فارسی ایران")

خاکه و سیاهه این مقاله بتاریخ ۱۲ جولای ۲۰۰۷ درج کمپیوتر گردیده و نسبت تراکم موضوعات مهمتر از نظر غائب مانده بود. اینک با کشف دوباره اش، آن را تکمیل کرده و خدمت دوستداران "زبان دری" - و آنانی که به سلامت زبان خود می اندیشند و به آن ارزش قائلند - تقدیم میکنم:

در مقاله "سرگی و دیرپائی لغات و اصطلاحات در زبان عامیانه دری" (۱)، "سره بودن" دری افغانستان از رهگذر لغات و کلمات بررسی گردیده و طی مثالهای فراوان، ارجحیتش بر "فارسی ایران" نشان داده شد. اینک موضوع را از دید دستوری (صرفی و نحوی) از نظر میگذرانیم. مد نظرم در این نوشته در درجه اول، "زبان معیاری" و "زبان مکتوب" فارسی ایران است.

نکات مد نظر را ماده وار بررسی می نمایم:

#### ۱- استعمال نادرست "را"ی مفعول بی واسطه (مفعول صریح)

ترتیب استعمال "را" به حیث علامت "مفعول صریح" یا "مفعول بی واسطه"، طوریت که "را" مستقیماً پس از مفعول می نشیند. چنان که می گوئیم: «نامه ات را گرفتم»، «وطن خود را باید از دل و جان دوست داشت»، «محمود دگری باید، تا بتها و معبودان کذائی را بشکند». در مثالهای بالا، حرف "را" مستقیماً پس از "نامه ات"، "وطن خود" و "بتها و معبودان کذائی" آمده است. در جملاتی که از دو جزء اصلی و فرعی تشکیل گردیده اند، نیز عین قاعده مراعات میگردد. مثلاً «نامه ای را که میخواستی بدوستت فرستادم». یا «فجایع بر مردم را از هر که سر زند، باید مورد بازپرس قرار داد». در فارسی ایران این دو جمله را بدین صورت می نویسند:

« نامه ای که میخواستی را بدوستت فرستادم.» و « فجایع بر مردم به دست هر که رخ دهد را، باید مورد بازپرس قرار داد.»

طوری که در دو جمله فوق آمد، در فارسی ایران در حالت جملات مرکب این قاعده را مراعات نمیکنند. به این جمله رادیو بی بی سی توجه کنید :

« سفیر آمریکا در کابل روز گذشته ، بار دیگر اتهام علیه ایران مبنی بر کمک تسلیحاتی به طالبان را تکرار کرد.»

در این جمله "اتهام علیه ایران" مفعول صریح است و باید "را" مستقیماً و بلافاصله بعد از آن آورده میشد. هینت صحیح این جمله قرار ذیل است: « سفیر آمریکا در کابل روز گذشته ، بار دیگر اتهام علیه ایران را مبنی بر کمک تسلیحاتی به طالبان ، تکرار کرد.» و یا به این جمله سایت "کابل پرس" نظر اندازید : « من نگاهی به مقالات منتشر شده انداختم و آنچه به ذهنم می رسد را برایتان می نویسم.» در این جمله موقعیت "را" به تقلید از "فارسی ایران" غلط انتخاب گردیده است. صورت درست این جمله اینطور است : « من نگاهی به مقالات منتشر شده انداختم و آنچه را به ذهنم می رسد ، برایتان می نویسم.» شخصی در نظرخواهی سایت "کابل پرس" به تاریخ ۱۵ جنوری ۲۰۰۸ نوشت : « فرید جان خواننده ی خوب. سه عکس را تبدیل به پنج عکس کردم تا آنچه نیافتید را بیابید.» این جمله باید اینطور تصحیح شود : « فرید جان خواننده ی خوب. سه عکس را تبدیل به پنج عکس کردم تا آنچه را نیافتید ، بیابید.»

در مقاله یک دانشمند بزرگ و سرشناس ایرانی که در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نیز اقتباس گردیده است ، چنین آمده : « یهودیان که سرمایه گذاری کلان خود برای استقرار کوروش را در خطر میدیدند ، ....» این جمله باید بدین صورت تصحیح گردد : « یهودیان که سرمایه گذاری کلان خود را برای استقرار کوروش در خطر میدیدند ، ....»

بعضی افغانان که هم بر شیوه دری خود پایبند اند و از طرفی دل ایرانیان را نیز نمیخواهند بشکنند، دو عدد "راء" را در چنین حالات در جمله جای میدهند. توجه کنید به این جمله سایت "کابل پرس": « اسناد سوء استفاده و اختلاس از اموال مردم گرسنه افغانستان را توسط هر شخص و در هر مقامی که باشد را نشر خواهم کرد.» در این جمله "را"ی اول درست و به رقم مروج دری افغانستان و "را"ی دوم نادرست و به حساب فارسی ایران گنجانیده شده. وقتی که سالیان پیش جریده "امید" را میخواندم ، تعدادی از نویسندگان از همین شیوه نادرست پیروی میکردند. من ضمن یکی از بخشهای "از امید به امید" در زمینه تبصره ای کرده بودم و چون بطور غیرمستقیم بنام مبارک پوهاند صاحب "عبدالله سمندر غوریانی" اشارتی رفته بود، مقاله از نشر باز ماند. بخاطر روشن شدن بهتر موضوع و نشان دادن ابتدالی که درین زمینه در فارسی ایران رونما گردیده، از خود منابع ایرانی نیز ، استشهاد میکنم :

کتاب "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی" چنین می آورد :  
« به جمله زیر توجه کنید :

"وزیر آموزش و پرورش دانش آموزانی که در المپیای فیزیک موفق شده بودند را با اهدای جوایزی مورد تشویق قرار داد."

۱ - در جمله بالا حرف "را" علامت مفعول صریح است و باید بلافاصله پس از مفعول یعنی کلمه "دانش آموزانی" بیاید : « وزیر آموزش و پرورش دانش آموزانی را که ...».

۲ - به جای عبارت طولانی "مورد تشویق قرار داد" می توان نوشت : "تشویق کرد." (۲)

## ۲ - استعمال مصدر "داشتن" در زمان "حال" و "ماضی" جاری یا استمراری :

مثلاً "دارم میخورم" ، "داشت خانه میرفت" و غیره که بر اثر ترجمه باللفظ از زبان فرانسوی وارد فارسی ایران گردیده و قطعاً با مزاج و طبیعت زبان فارسی دری سازگار نیست. این شیوه نادرست ، درست زمانی در زبان ادبی فارسی ایران شیوع یافت که مترجمان ایرانی دست به ترجمه از منابع فرانسوی زده و جملات را عیناً به سیاق جمله بندی زبان فرانسوی آراستند و هیهات نمی دانستند که این بدعت قبیحه روزی پا از زبان نویسندگان و فرهنگیان و مطبوعات فراتر نهاده و در پهنه زبان عامه مردم ایران ، دامن پهن میکند. این شیوه بیان حال و ماضی استمراری که در زبان انگلیسی Present / Past Continuous یا Present / Past Progressive نامیده میشود، در زبان دری به شیوه های دیگر افاده میگردد. مثلاً "میخورد / میخورد ؛ میکند/ میکرد" و در حالت تأکیدی "خورده میروود / خورده میرفت ؛ کرده میروود / کرده میرفت". در زبان عوام دری صیغه حال این زمانه به شکل "خورده راهیست ؛ کرده راهیست" بیان میگردد. آنچه در زبان فارسی ایران رائج گردیده - خواه درست و یا نادرست - مربوط فارسی ایران است که مبارک خود ایرانیان باد. ما را که زبان دری را پاسداری میکنم و میکوشیم که این زبان - که در بین ما سره و اصیل مانده - کماکان نیالوده از کژی و انحراف بماند ، نباید از شیوه نادرست فارسی ایران در این زمینه پیروی بکنیم. و هی هی و هیهات که حتی بعضی دانشمندان ما نیز این روش

نادرست را - آگاهانه و یا ناخودآگاه - طوطی وار، نه تنها در تحریر ، که حتی در تقریر نیز ، از زبان فارسی ایران تقلید میکنند.

### ۳ - تلفظ حرف اضافه "به" Ba در دری افغانستان و بصورت Be در فارسی ایران

این کلمه در اصل خود همان طوری بوده که امروز در دری ما رایج است ، یعنی با "بای مفتوح". در فارسی ایران این حرف را با "بای مکسور" تلفظ میکنند. استاد نامدار پوهنتون تهران ، مرحوم داکتر پرویز ناتل خانلری در صفحات ۳۴۴ و ۳۴۵ جلد سوم "تاریخ زبان فارسی" خود در شرح "به" چنین گوید :

« ... در پازند غالباً صورت pa دارد. در فارسی میانه طرفانی هم به صورت pad وجود دارد. در فارسی دری در چند کلمه مرکب که این جزء در مقام پیشوند قرار داشته به صورت - pa باقی مانده است. مانند **پدید ، پدیدار ، پدرو ، پنداشتن ، پنهان....**

در کلماتی که آغاز آنها همزه است، صامت آخر این جزء ، یعنی حرف دال برجای مانده است که در چند کلمه هنوز به همین صورت در زبان نوشتن به کار میرود : **بدو ، بدیشان ، بدان ، بدین ....** » (۳)

(بدو = به او ، بدین = به این ، بدان = به آن ، بدیشان = به ایشان )  
مثالها در تائید این نکته در شعر قدیم و جدید :

**بدو گفتم که مشکی یا عبیری** که از بوی دلاویز تو مستم (سعدی)

**بدین تمکین که ساقی باده در پیمانه میریزد** رسد تا دور ما دیوار این میخانه میریزد (عشقری)

و مثال های بی شمار که از زبان مکتوب میتوان آورد : **بدین صورت ( به این صورت ) ، بدان سان ( به آن سان ) ، بدان گونه ( به آن گونه ) ، ....**

### ۴ - "های غیر ملفوظ"

"های غیر ملفوظ" در دری ما معرف و بیانگر "فتحه" حرف ماقبل خود است، در حالی که در فارسی ایران این حرکت "کسره" گردیده است. مثلاً کلمات "نویسنده ، نماینده ، زنده ، بنده ، جامه ، خامه ، جانانه ، آدینه ، نوشته ، گذشته ، شسته و غیره" در دری افغانستان به "دال و میم و نون و تای مفتوح" تلفظ میگردد، در حالی که ایرانیان آن را "مکسور" اداء مینمایند.

مرحوم داکتر خانلری در "تاریخ زبان فارسی" چنین گوید :

« مصوت a (= فتحه یا زیر در فارسی دری ) در آغاز و میان کلمه غالباً تغییری نپذیرفته و عیناً بجا مانده :

ذکر مثالها در زمینه

هرگاه این مصوت در پایان کلمه قرار داشته باشد یا پس از افتادن صامت آخر در پایان قرار گرفته در تلفظ امروزی بعضی از نقاط ایران همان کیفیت اصلی را نگه داشته اما در نقاط دیگر و در تلفظ رسمی امروز به کسره (e) بدل شده است.

در رسم خط فارسی این مصوت پایانی به صورت (ه) یا (ه) نوشته میشود و آن را "هائ بیان حرکت" یا "هائ غیرملفوظ" می خوانند. «(۴)

استاد خانلری در صفحات ۹۲ و ۹۳ جلد سوم همین کتاب چنین آرد :

« کلماتی که در دوره فارسی میانه به پسوند "یگ" ig و "اگ" ag ختم می شده در دوره فارسی دری بنا بر قاعده عام ، صامت آخر آنها افتاده و مصوت "زبر = فتحه" بر جای مانده است. اما در جمع به "آن" که صامت مزبور در میان کلمه قرار گرفته مشمول آن قاعده نشده و در نتیجه آن ، صورت مفرد این کلمات مختوم به **فتحه (در زبان امروزی = کسره - تنها در فارسی ایران و نه در دری افغانستان و دری تاجیکستان (شرح از من است))** مانده (که با های بیان حرکت نوشته میشود) و در صورت جمع آنها به "گان" ختم میشود....

نشانه جمع در این گونه کلمات "گان" است ، و از همینجاست که دستور نویسان ایرانی قاعده ای جعل و وضع کرده اند که به موجب آن "هائ غیرملفوظ آخر کلمه در جمع به "گاف" بدل میشود. « حال آن که "هائ غیرملفوظ" یا "هائ بیان حرکت" تنها نشانه مصوت آخر است و "هائی" در میان نبوده که به "گاف" بدل شود.... » (ختم نقل قول)

در فارسی معیاری و در زبان مناطق وسیع سرزمین ایران، این مصوت "کسره" است. البته این تلفظ در بعضی نقاط شرقی و همسرحد افغانستان به مانند دری ما به شکل اصل و "فتحه" اداء میگردد.

میتوان مثال های فراوان از شعر دری قدما آورد، که قافیه با "های غیر ملفوظ" میبندد - خصوصاً از حضور کلمات عربی - و ضمن آن ثابت میسازد که "های غیر ملفوظ" معرف "فتح" حرف ماقبل است. بر سیبل نمونه بیتی چند از غزل معروف حضرت حافظ را می آرم :

ساقی حدیث ســـرو و گل و لاله میروید	وین بحث با ثلاثیـــــــه غســــاله میروید
می ده که نوعروس چمن حد حسن یافت	کار این زمان ز صنت دلاله میروید
شکر شکن شونــــد همه طوطیان هند	زین قنــــد پارسی که به بنگاله میروید
طی مکان ببین و زمان در سلوک شعر	کاین طفل یکشبه ره یکساله میروید
آن چشم جــــادوانه عابد فریب بین	کش کاروان سحــــر ز دنباله میروید
از ره مرو به عشوه دنیا که این عجز	مکــــاره می تشیند و محتاله میروید
باد بهــــار می وزد از گلستان شاه	وز ژاله باده در قــــدح لاله میروید

در این ابیات کلمات فارسی "لاله و بنگاله و یکساله و دنباله" با کلمات عربی "غساله و دلاله و محتاله" قافیه بسته شده اند. چون در این سه کلمه عربی حروف ماقبل "های غیر ملفوظ" همه مفتوح اند - و قاعده زبان عربی چنین باشد - پس تلفظ درست کلمات "لاله و بنگاله و یکساله و دنباله" همه به فتح حرف ماقبل است؛ یعنی عین چیزی که در دری افغانستان به مشاهده میرسد و رواج دارد. در قرنها پیش و در زمان حافظ و پیش از او، که زبان دری تازه در سرزمین "فارس" آمده و رونق گرفته بود، ایرانیان نیز حرف ماقبل "های غیر ملفوظ" را مفتوح اداء میکردند و مثلاً از کلام حافظ شاهد خوبی در زمینه است.

## ۵ - استعمال "حرف" زائد "به" پیش روی صفت "دور" :

مثلاً "از حقیقت به دور است" و یا "کلامش را باید ساده و به دور از تعقید دانست." و "بیان مشرح جزئیات از حوصله این نامه به دور است". در کتاب "فارسی عمومی" اثر داکتر ابراهیم قیصری و داکتر محمد دهقانی - در شرح "سبک خراسانی" چنین آمده : « سبک خراسانی کهن ترین سبک شاعری و نویسندگی زبان فارسی است. در این سبک توصیفات و تشبیهات ساده و به دور از پیچیدگی و ایهام است... » (۵). استاد شجاع الدین شفا در صفحه ۶۶ کتاب "تولد دیگر" گوید :

« ... "انمیست" های افریقائی و استرالیائی و بومیان جزائر اوقیانوس آرام و نظائر آنهاست که اصولاً دیدگاهی مذهبی به مفهوم سنتی آن ندارند، و از بنیادگراییها و پرخاشجویی های مذهبی نیز بدور اند.»

در تمام مثالهای بالا کلمه "به" کاملاً زائد و بیهوده است، چون این جملات بدون کلمه "به" هم به تمام معنی مفهوم را اداء کرده میتوانند. اگر این طرز بیان درست باشد، باید با تعویض "دور" با کلمه "بعید" که "معادل عربی" آن است نیز استعمال شده بتواند. اگر در جملات بالا بجای "دور" کلمه "بعید" را بگذاریم، خواهیم داشت : « از حقیقت به بعید است » ، « کلامش را باید ساده و به بعید از تعقید دانست » ، « بیان مشرح جزئیات از حوصله این نامه به بعید است » و « ... در این سبک توصیفات و تشبیهات ساده و به بعید از پیچیدگی و ایهام است ». اما هیچ دری زبان باسوادی را نخواهیم یافت که بر جملات اخیر صحه بگذارد. از طرف دیگر اگر "به دور" درست باشد، ترکیب مقابله "به نزدیک" هم باید درست باشد، که هرگز چنین نیست!!!

یک مثال آخرین هم در زمینه میزنم. در مقاله ای که اخیراً در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر گردید، چنین میخوانیم : « زیرا مسأله بنیاد گرائی اسلامی و تروریسم چنان بسط و گسترش یافته که به یک مشکل جهانی میدل شده و رشد روز افزون آن باعث ترس و نا آرامی همه مردم جهان گردیده و چاره پایان دادن به این خشونت و هراس افگنی از توان یکی دو کشوری کاملاً به دور است.» درینجا نیز حرف اضافه "به" کاملاً بیهوده آورده شده است.

## ۶ - استعمال حرف زائد "های غیر ملفوظ" در بعض موارد :

در فارسی ایران در بعض موارد کاملاً غیر ضروری "های غیر ملفوظ" را در آخر بعض کلمات می آورند؛ مثلاً : - "امروزه بسا کار های ناممکن ممکن گردیده". درینجا اگر بجای "امروزه" کلمه "امروز" را به کار ببریم، معنای جمله بکلی کامل گردیده و هیچ خلایق در مفهوم عبارت رخ نمیدهد. چون "امروز" خود "قید" است و احتیاجی دیده نمیشود که "های قید ساز" و "صفت ساز" در عقبش، گذاشته شود.

در صفحه ۵۳۷ کتاب معروف آقای شجاع الدین شفا زیر عنوان "تولد دیگر" میخوانیم : « ... و درست به همین دلیل این سیر تحول اقتضا میکند که امروزه در انطباق با شرایط فکری بشریت در آغاز هزاره سوم و در تطبیق با دستاوردهای جهان دانش، اندیشه مذهبی نیز پا به مرحله تازه ای از تکامل خود بگذارد...». در این جمله اگر بجای "امروزه"، "امروز" گذاشته شود، هیچ نقصی بر جمله وارد نمیگردد. پس "ه" در اینجا کاملاً زائد است و ضرورت وجودی ندارد. از طرف دیگر "های غیر ملفوظ" به مانند "ی" از بعض کلمات "قید" و "صفت"

میسازد. چنانکه میگوئیم "کار امروزه" یا "کار امروزی" که هر دو عین معنی را افاده مینماید، چون هر دو با "کار"ی سر و کار میگیرند که به "امروز" تعلق دارد.

کلمه "امروز" در دو مفهوم بکار برده میشود. یکی در معنای روزی که بین "دیروز" و "فردا" قرار دارد و دیگر به مفهوم "در روزگار ما"، "در همین زمان"، "در زمانی که زندگی میکنیم" و غیره. و این ترتیب استعمال در تمام زبانها مروج است. هم در زبانهای اروپائی و نیز حتی در لسان عربی. وقتی در قرآن کریم میخوانیم "الیوم" املت لکم دینکم" (امروز دین شما را برایتان کامل گردانیدیم)، "الیوم" (امروز) در آن در همین مفهوم بکار رفته است.

– نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر" نام کتابی از علامه مرحوم مرتضی مطهری است. درینجا نیز "ه" کاملاً اضافی است، چون اگر در عوض "صد سال اخیر" بگوئیم، مفهوم به تمام معنی افاده میگردد.

#### ۷- استعمال کسره بیجایِ اصافت در هنگام سخن گفتن :

مثلاً در ترکیباتی ازین قبیل : "این نکته مربوط به من نمیشود"، "در ارتباط به مسائل امنیت"، "در پیوند با جمهوری ولایت فیه"، "مسائل مربوط به غنی سازی یورانیوم جمهوری اسلامی ایران" و غیره. در این مثالها اگر کسره بعد از "ط" و "د" حذف هم گردد، بر معنای عبارات کوچکترین خدشه ای وارد نمیکرد. پس وجود چنین "کسره" کاملاً زائد و اضافی است. این کسره اصافت وقتی جلی تر نمایان میگردد، که کلمه پیش از آن مختم به "الف" باشد و بالضرور این "کسره" به "ی" تبدیل گردد؛ مثلاً :

نویسنده ای به نام جناب "شمس الحق" مقیم شهر لندن ضمن مناظره ای در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نوشت : «در کنار درسهایی که در مراکز نظامی شورای نظار داده می شد، جدای مسایل سیاسی و استراتژیک، حفظ قرآن، تفسیر و فقه بود.» نویسنده ای دیگر در سایت "کابل پرس" در مقاله "آغازگر جنگ در افغانستان چه کسی است؟" چنین نوشت : «بیانید جدای از مسائل قومی و منطقوی قضاوت کنیم نه با احساسات قومی و قبیله ای». در هر دو مثال "یای" بعد از "جدا" اضافی و کاملاً ناخوش آیند است. جملات بالا را میتوان به شکل ذیل ارائه کرد :

"... جدا از مسایل سیاسی ...." و "بیانید جدا از مسائل قومی ....". چنین طرز استعمال که از آخوندها و روحانیون جمهوری اسلامی ایران بیشتر شنیده میشود، احتمالاً پدیده ایست که با انقلاب اسلامی ایران وارد زبان ایرانیان گردیده باشد.

#### ۸ - در زبان فارسی ایران نه از "واو مجهول" خبری دیده میشود و نه از "یای مجهول":

در اصل زبان فارسی دری اما هم دو "یاء" (معروف و مجهول) داشتیم و نیز دو "واو" (معروف و مجهول)، که خوشبختانه در دری وطن عزیز ما افغانستان، هر دو حفظ گردیده اند. من درین زمینه خاص مقاله ای زیر عنوان "یای مجهول و واو مجهول" نوشته و در آن بحثی نسبتاً مفصل کرده ام، که علاقه مندان را به مطالعه آن در پورتال بی همال "افغان جرمن آنلاین" دعوت مینمایم. چهل پنجاه سال پیش در رسم الخط دری هر دو "یاء" از هم طوری متمایز میگرددند، که در زیر "یای معروف" دو نقطه پهلو به پهلو گذاشته میشد و در زیر "یای مجهول" دو نقطه زیر به زیر. اما وقتی سیل آثار مطبوع ایرانی در کشور ما سرازیر گردید، نشانه یای مجهول « دو نقطه زیر به زیر در زیر "یاء" » نیز از رونق افتاد، خصوصاً که ماشین های تایپی که در بازار پیدا میگرددند، همه بدون علامه "یای مجهول" گردیدند و اینک که بازار تایپ کمپیوتری داغ است، به اثر تأثیرگذاری ایرانیان، حرف "یای مجهول" در کی بورد کمپیوتر ها نیز سراغ نمیگردند. امید است که بر اثر بیداری وجدان های خوابیده ما افغانان ازین به بعد دکمه "یای مجهول" در تایپ کمپیوتری نصب گردد. ما نباید اجازت بدهیم که همه چیز ما را دیگران تعیین بکنند. این یک مکلفیت و فرض عین همه ماست تا نحوه خاص دری افغانستان را نگه داریم و محفوظ و مصون از تهاجم بیگانگان. من فرموده داکتر صاحب محمد حیدر را کاملاً تأیید می کنم، وقتی در آخرین مضمون خویش به جریده "امید" که در واقع وداعیه با آن هفته نامه نیز بود، نوشتند :

« همان گونه که در حفظ آثار باستانی خود می کوشیم، باید به همان پیمانمانه و نه کمتر از آن، در حفظ سلامت شیوه خاص دری افغانستان نیز کوشا باشیم.» (۶)

خوشبختانه که در رسم الخط پشتو "یای مجهول" در رسته "یاء ها"ی دیگر زبان پشتو، دیده میشود.

## توضیحات :

- ۱ - این مقاله بار اول حدوداً ده سال پیش در جریده "امید" نشر گردید و بنا بر ضرورت به تجدید چاپ آن پرداخته شد. صورت تجدید نظر شده با اضافات بسیار به تاریخ ۲۰ نومبر ۲۰۰۵ در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر گردید که مانند همه مقالات بنده در آرشیف - آرشیف نویسندگان - قابل دریافت میباشد.
- ۲ - صفحه ۳۹ "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی" به کوشش داکتر ابراهیم قیصری و داکتر محمد دهقانی، چاپ سوم، چاپ قرائن، ۱۳۸۰
- ۳ - صفحات ۳۴۴ و ۳۴۵ جلد سوم "تاریخ زبان فارسی" اثر داکتر خانلری، چاپ چهارم، نشر نو، تهران ۱۳۶۹
- ۴ - صفحات ۳۶۱ تا ۳۶۲ جلد اول "تاریخ زبان فارسی"
- ۵ - صفحه ۹۸ "فارسی عمومی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی"
- ۶ - این جمله مفهوم و محتوای سخن داکتر صاحب حیدر را بالتمام افاده میکند، بدون این که فورمولبندی ایشان را داشته باشد.